

# چشم زخم از منظر آیات و روایات

فاطمه عوض پور<sup>۱</sup>

## چکیده:

پدیده چشم زخم صدمه و آسیبی است که از چشم بد و یا چشم شور به کسی برسد. این پدیده (چشم زخم) مساله‌ای انکار ناپذیر است که حتی دانشمندان نیز وجود آن را باور دارند و بر این اعتقادند که در چشم نیرویی نهفته است که می‌تواند بر روی اشیاء اثر بگذارد. عامل چشم زخم تنها حسادت نمی‌باشد؛ بلکه مساله‌ای مثل دوست داشتن نیز گاهی منجر به چشم زخم می‌شود. بررسی این مساله از این جهت دارای اهمیت است که جایگاه چشم زخم را در دین اسلام روشن نماییم. و راه حلهایی را در رابطه با مقابله با چشم زخم ارائه نماییم. بنابراین چشم زخم عاملی درونی است که می‌تواند گاهی اثرات بسیار سوئی بر شخص مقابل داشته باشد که برای پیشگیری از آن در دین اسلام راهکارهایی ارائه شده است. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و توصیفی انجام شده است.

**کلیدواژه‌ها:** چشم زخم، آیات، روایات، شورچشمی، حسادت، اسلام.

---

<sup>۱</sup>. حوزه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) - شیراز، طلبه سال اول.

## مقدمه:

قرآن کریم هر چند بسیاری از امور اعتقادی را نادرست و باطل می‌شمارد ولی با این همه برخی از اقسام و انواع امور شگفت انگیز را تایید کرده حتی به آنها به صورتهای مختلف پرداخته است. یکی از رایج ترین باورهایی که از دیر باز اذهان جوامع بشری را به خود مشغول داشته است. نیروی مرموز و قدرتمند چشم است که از آن به عنوان فراگیرترین باور فرا علمی با نام چشم زخم یاد می‌شود. چشم زخم حقیقتی است که در اسلام مورد قبول و پذیرش می‌باشد؛ یعنی قرآن به صورت معنا داری بر آن صحّه گذاشته و احادیث و روایات با تعبیرهای گوناگون آن را تایید می‌نمایند. عده‌ای از مردم این پدیده را باور کرده‌اند و آن را حقیقت می‌شمرند اما عده‌ای راه افراط را در پیش گرفته‌اند. در مقابل دسته‌ای دچار تفریط شده‌اند و چشم زخم را خرافه پنداشته‌اند. در این مقاله سعی بر آن شده که چشم زخم را با آیات قرآن کریم و استفاده از روایات اثبات کنیم و در پایان، راه مقابله با آن را ذکر کنیم.

## ۱- مفهوم شناسی

چشم زخم کلمه‌ای فارسی است که از دو قسمت چشم و زخم ترکیب شده است. چشم، همان عین عربی است که از مهمترین اعضای انسان است و وسیله ارتباط با عالم اطراف است. زخم، به معنای متعددی از قبیل حرکت، گوشت فاسد شده گندیده، طعم و بوی بد و بی آبرویی استعمال می شود. (معین، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۵۴)

در کتاب برهان قاطع، چشم زخم را این گونه تعریف کرده است: «آزار و نقصانی است که به سبب دیدن بعضی از مردم و تعریف ایشان به کسی یا چیزی رسد و عرب، (العین اللامه) خواند.» (خلف تبریزی، برهان، بی تا، ج ۱، ص ۴۳۰) «کسانی را که گمان می رود چشمشان چنین تاثیری دارد، بد چشم، شور چشم، نظر زدن، نظر رساندن را مثال آنها تعبیر می کنند.» (مصاحب، بی تا، ج ۳، ص ۲۷۳)

## ۲- چشم زخم یک باور جهانی

یکی از رایج ترین باورهای که از دیرباز، اذهان جوامع بشری را به خود مشغول داشته است، نیروی مرموز و قدرتمند چشم است که از آن به عنوان فراگیرترین باور فرا علمی با نام چشم زخم یاد می شود. درباره این که اعتقاد به چشم زخم از چه زمانی در اندیشه مردم راه یافت، مبحثی است که به طور دقیق آغازی برای آن نمی توان در نظر گرفت، شاید تاریخ آن مربوط به زمانی باشد که هنوز خطی برای نگارش اختراع نشده بود؛ اما موضوع چشم زخم در اعتقاد همه فرهنگها و اقوام تمام کشورهای امروزی وجود داشته و دارد و به شیوه های مختلف به رفع آن می پردازند. چشم زخم حقیقتی است که در اسلام مورد قبول و پذیرش می باشد؛ یعنی قرآن نه به طور صریح اما به صورت معنا داری به آن صحه گذاشته و احادیث و روایاتی با تعبیر گوناگون آن را تایید می نمایند. (خدایی، ۱۳۹۲، ص ۱۵)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «چشم و نظر حقیقت دارد و حتی قله کوهها را به زمین می کشاند.» (احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۷۴) ناگفته نماند که طی قرون متمادی موضوع چشم بد و نگاه مسموم، در کمند خرافات گرفتار شده و پیرایه هایی بر آن بسته شده است. جالب این که عده ای راه افراط و بزرگ نمایی در پیش گرفته و آن را در همه سطوح زندگی دخیل دانسته و همه ناتوانی ها، تنبلی ها و بی فکری های خویش را معلول نگاه سوء دیگران تلقی کرده و

فرافکنی می‌کنند. معمولاً این افراد شادی‌ها و موفقیت‌های خویش را کتمان کرده و با ترس مخفیانه ادامه حیات می‌دهند. علامه طباطبایی در ابعاد خرافات می‌نویسد:

«انسان از قدیم‌ترین اعصار تا به امروز، مبتلا به خرافات بوده است. بعضی گمان می‌کنند که خرافات از خصایص شرقی‌ها است؛ ولی حقیقت این نیست، زیرا اگر غربی‌ها در خرافات حریص‌تر از شرقی‌ها نباشند، لاقلاً مانند شرقی‌ها بین آنها هم خرافات وجود دارد.» (طباطبایی، ص ۲۴۶)

ناگفته نماند در ایران نیز باور نیروی چشم در تخریب، قدمت طولانی دارد و برای دفع آن نیز از دیرباز از مَه‌ره‌ی مار گرفته تا چشم‌کفتار و شکاندن تخم مرغ تا سوزاندن لباس چشم‌زننده، شیوه‌هایی خرافی هستند که متأسفانه رواج داشته و دارد. حال به بیان نمونه‌هایی از خرافه پرستی در شرق و غرب می‌پردازیم. (خدایی، ۱۳۹۲، ص ۱۷).

### ۳- نمونه‌ای از خرافات دینی

الف: هنوز در دنیای غرب در باور مسیحیان رد شدن از زیر نردبان توهین به تثلیث بوده و گروهی هم معتقدند این رد شدن بد یمنی آورده و شوم است.

ب: در قرون وسطی در اروپا کسی که دچار صرع می‌شد، کشیشان به شدت او را کتک می‌زدند تا جن از بدنش خارج شود.

ج: در عصر ظلمانی جاهلیت که خرافات در اوج خود بود، در میان شترداران مرسوم بود که اگر تعداد شترهایشان به صد عدد می‌رسید، یک چشم شتر را کور می‌کردند و اگر به هزار می‌رسید هر دو چشم حیوان را کور می‌کردند.

خلاصه، رایج‌ترین خرفه‌ها در جوامع بشری مربوط به چشم زخم می‌باشد؛ به گونه‌ای که بیشتر مردم بر این باورند که بعضی دارای نیروی فوق‌العاده‌ای هستند که می‌توانند طومار زندگی‌ها را درهم بپیچند؛ این نوع نگاه آن چنان آمیخته به خرافات شده، که تفکیک حقیقت از خرافه کار بسیار سختی است. اما همواره دین مبین اسلام از ابتدا در پی مبارزه با خرافات و خرافه پرستی بوده است تا سقف ارزش‌های دینی بر ستون خرافات بنا نگردد؛ شیوه پیامبر الهی بیدار کردن فطرت‌ها و سیراب نمودن عقول بشری بوده است. برای مثال در جریان وفات فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ابراهیم بود که در آن روز آفتاب فرو رفت؛ مردم همگی گفتند: «خورشید در مرگ ابراهیم غمگین شد.»

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در حالی که هنوز جنازه ابراهیم را دفن نکرده بودند، مردم را به سوی مسجد فرا خوانده، بر منبر رفته و فرمودند: «خورشید و ماه دو نشانه‌ی بزرگ از قدرت خدا هستند. هرگز برای زندگی یا مرگ کسی نمی‌گیرند؛ هر وقت خورشید یا ماه گرفته شد، نماز آیات بخوانید. آنگاه از منبر پایین آمده و با مردم نماز آیات خواندند.» (سیوطی، ج ۳، ص ۲۰).

یا هنگامی که با جمعی از یاران خویش، در شبی گرد هم آمدند. ستاره‌ای درخشان و پس از طی فاصله‌ای خاموش شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از یاران خود پرسیدند:

«در گذشته (عصر جاهلیت) راجع به این حادثه چه عقیده‌ای داشتند؟ پاسخ دادند: این حادثه نشان از زاده شدن بزرگی و یا مرگ بزرگی است.» آن بزرگوار فرمودند: این حادثه‌ی فلکی است؛ به مرگ و زندگی کسی ربط پیدا نمی‌کند.» (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، صص ۱۵۶-۱۵۵).

با بررسی این روایات متوجه می‌شویم؛ سعی و تلاش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر این بوده‌اند که فکر و ذهن یاران و پیروان خود را متوجه خداوند عظیم و حکیم نمایند و با دعوت به آفرینش هستی عقل‌ها را تغذیه نمایند. اما پرداختن به خرافات، حقیقت چشم زخم را کتمان نمی‌کند؛ در اهمیت این موضوع همین بس که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: «به راستی که چشم زدن، آدمی را به قعر قبر و شتر را به درون دیگ می‌فرستد.» (مجلسی، ج ۶۳، ص ۲۶؛ خدایی، ۱۳۹۲، ص ۲۵).

یا امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: «اگر قبرها شکافته شود، خواهید دید که بیشتر مردگان شما از زهر چشم مرده‌اند؛ زیرا چشم زدن حق است.» بدانید که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «چشم حق است هر کس به چیزی که از آن، برادر ایمانی‌اش است در شگفت شد، باید خدای را یاد کند که هر گاه چنین کند به وی آسیبی نرسد.» (مجلسی، ج ۹۵، ص ۱۲۷. رحمتی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۵).

در این کلام نورانی دو نکته قابل تامل است:

۱- شگفتی؛ آن زمانی است که معمولاً حالت چشم انسان با دیدن و یا شنیدن چیزی تغییر می‌کند.

۲- یاد خدا و توجه به باری تعالی خنثی کننده‌ی زهر و انرژی مخربی که چشم تولید کرده می‌باشد.

و با این اوصاف، چشم زخم، سوءنظر، زهر چشم، شورچشمی، جادوی چشمی یک حقیقت پذیرفته شده‌ی جهانی است و واقعیت اجتناب ناپذیری است که همه‌ی ما به نوع در زندگی آن را تجربه کرده و می‌کنیم؛ هم مورد تابش نگاه‌های مخرب بوده‌ایم و هم خود دیگران را درگیر کرده‌ایم.

از مجموع این‌ها می‌توان گفت که این قدرت و نیرو در همه‌ی افراد وجود دارد و درمورد تاثیر گذار بودن یا نبودن آن، به قدرت تمرکز افراد بستگی دارد. هر چند عده‌ای به طور طبیعی از این نیرو سهم بیشتری دارند و در نهایت تاثیر زیادتری می‌گذارند. نکته‌ی قابل تامل توجه این است که، از منابع دینی چنین بدست می‌آید که این نیرو به افراد بد ذات و خبیث اختصاص ندارد؛ بلکه همه افراد از این قدرت و نیرو برخوردارند؛ که تنها ممکن است در شدت و ضعف آن تفاوت وجود داشته باش.

۳- چشم زخم از نگاه علم از شگفتی‌های چشم، علاوه بر ساختمان فیزیکی آنکه خود عالم پیچیده و با عظمتی است، نیروی نامرئی می‌باشد. علمای فن نه تنها چشم زخم را رد نمی‌کنند؛ بلکه بسیاری از دانشمندان علوم تجربی بر این باورند که در بعضی از چشم‌ها، نیروی مغناطیسی ویژه‌ای نهفته است که آثار زیادی دارد.

قدرت تخریبی چشم بستگی به نیروی باطنی شخص دارد و این توان به علل طبیعی و ذاتی افراد و گاه با آموزشهای خاص و تحولات درونی و بیرونی افزایش پیدا می‌کند؛ «هیپنوتیزم» و «تله پاتی» و دیگر دست آوردهای علوم بشری، حاکی از پیدایش ذره‌ای از توانایی روحی بیکران انسان است که سحر نگاه یا شور چشمی گوشه‌ای اندک از این نیروی قدرتمند نهفته در وجود انسان است که از پنجره‌ای به نام چشم ساطع می‌شود.

از نظر کسانی که روح شناس و انسان شناس هستند، ثابت شده که انسان می‌تواند اثر غیر مادی بر خارج داشته باشد؛ مثل خمیازه کشیدن که یک اثر غیر مادی است؛ برای مثال گر شخصی در برابر شما خمیازه بکشد. چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا می‌توانید جلو خود را بگیرید و خمیازه نکشید؟ این اثر گذاری غیر مادی است. (مگر برای افراد خاص).

شادی، غم و امثال آن، بر روح اثر می‌گذارد و چشم و گوش و اعضا و جوارح انسان، ابزار آن هستند؛ بنابراین کسانی که «چشم زخم» یا «چشم نظر» را خرافه می‌پندارند، سعی دارند همه چیز عالم را با عقول ناقص بشری بسنجند و چون عقول آدمی در بسیاری از مسائل ماورای طبیعت و متافیزیک ره نمی‌برند و غیر قابل درک با ابزارهای موجود می‌باشد، ناگزیر آن را انکار می‌کند؛ در حالی که مواردی از چشم زخم را در محیط خارج و زندگی خودشان مشاهده کرده‌اند. (خدایی، ۱۳۹۲، ص ۴۰).

## ۴- چشم زخم در آیات

مفسران در سه مورد، آیاتی را درباره چشم تفسیر نموده‌اند که به ترتیب بیان خواهد شد.

الف: روشن ترین آیه‌ای که بر واقعیتی به نام چشم و نظر دلالت دارد، آیه‌ی آخر سوره‌ی قلم می‌باشد که بیشتر افراد آن را شنیده‌اند و یا به صورت قاب در منزل، محل کار نصب کرده یا به گردن آویخته اند و به «وَإِنْ يَكَادُ» معروف است.

اقوالی در شأن نزول این آیه مبارکه در تفاسیر نقل شده است؛ نوشته‌اند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روزی در مسجد مشغول تلاوت قرآن بود که جماعتی کنار درب مسجد ایستاده و انتظار خارج شدن ایشان را داشتند تا با قدرت چشمی خود به آن حضرت ضربه بزنند. جبرئیل با آوردن این آیه، حضرت را با خبر نمود و آن بزرگوار با قرائت «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُرْتَقُونَ» بآبصارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ\* وَمَا إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (قلم: ۵۲-۵۱) از مسجد به سلامت خارج شدند.

از مجموع نظر مفسران در خصوص این آیه مبنی بر این که واقعا دلالت و اشاره بر چشم زخم دارد؛ سه تعبیر قابل برداشت است:

اول: بسیاری از مفسران گفته‌اند: منظور این است که، دشمنان به هنگامی که آیات با عظمت قرآن را از تو می‌شنوند به قدری خشمگین و ناراحت می‌شوند، با عدوات به تو نگاه می‌کنند که گویی می‌خواهند تو را با چشم های خود بر زمین افکنند و نابود کنند.

در توضیح این معنی، جمعی افزوده‌اند: آنها می‌خواهند از طریق چشم زدن-که بسیاری از مردم به آن عقیده دارند و می‌گویند: در بعضی چشم‌ها، اثر مرموزی نهفته است، که با یک نگاه مخصوص ممکن است طرف را بیمار یا هلاک کند- تو را از بین ببرند.

دوم: بعضی دیگر گفته‌اند: این کنایه از نگاه‌های غضب آلود است؛ مثل این که می‌گوییم: فلان کس آن چنان بد به من نگاه کرد که، گویی می‌خواست مرا با نگاهش بخورد یا بکشد.

سوم: تفسیر دیگری برای این آیه به نظر می‌رسد، که شاید از تفسیرهای بالا نزدیک‌تر باشد و آن اینکه: قرآن می‌خواهد تضاد عجیبی را که در میان گفته‌های دشمنان اسلام وجود داشت با این بیان ظاهر سازد و آن اینکه:

آنها وقتی آیات قرآن را می‌شنوند، آن قدر مجذوب می‌شوند و در برابر آن در شگفتی فرو می‌روند که، می‌خواهند تو را چشم بزنند (زیرا چشم زدن معمولاً در برابر اموری است که، بسیار اعجاب انگیز می‌باشد) اما در عین حال، می‌گویند: تو دیوانه‌ای، و این راستی شگفت آور است، دیوانه و پریشان گویی کجا؟ و این آیات اعجاب انگیز جذاب و پرنفوذ کجا؟ این سبک مغزان نمی‌دانند چه می‌گویند؟ و چه نسبت‌های ضد و نقیضی به تو می‌دهند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲۴، صص ۴۳۰ - ۴۲۹).

- همچنین بعضی منظور از این جمله را نگاه غضب آلود مشرکان به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دانسته‌اند.

- برداشت بعضی دیگر از آیه این است که دشمنان با استفاده از نیروی مروزی که در بعضی چشم‌ها وجود دارد، سعی دارند تا به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آسیب بزنند.

- دسته‌ای نیز منظور این جمله را به همان مفهوم عامه «چشم زدن» تعبیر کرده‌اند؛ به نظر، این تفسیر قرین تایید چشم زخم است که دشمنان اسلام، وقتی آیات قرآن را می‌شنوند آنقدر مجذوب و شگفت زده و خشمگین می‌شوند که در برابر آن ناراحتی و عداوت می‌خواهند پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) را با نیروی چشم بر زمین افکنده و نابود سازند.

- و سرانجام، در آخرین آیه می‌افزاید: «این قرآن، چیزی جز مایه بیداری و تذکر برای جهانیان نیست.»



علامه طباطبایی که یک فیلسوف خرد گرا و خرد ورز است؛ این آیه را به چشم زدن معنا کرده و می‌نویسد: «چشم زدن خود نوعی از تاثیرات نفسانی است و دلیل عقلی بر نفی آن نداریم؛ بلکه حوادثی دیده شده که با چشم زدن منطبق است. (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۹، ص ۶۴۸).

مفسران دیگر نیز در تفاسیر از جمله تفسیر تسنیم، نور، هدایت، نمونه و... این آیه و آیه ۶۷ سوره یوسف را دلیلی بر تاثیر چشم معنا کرده اند؛ از ابن عباس روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در تفسیر آیه‌ی «وَإِنْ يَكَادُ» فرمودند: «مسئله چشم زخم حق است.» (سیوطی، ج ۳، ص ۳۵). با توجه به شان نزول و جاری شدن این آیه بر لبان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به نظر می‌رسد، خواندن این آیه ما را در برابر نگاه‌های خطرناک، مسموم و زهر آلود، کینه توز، بد نظر و... یاری خواهد نمود.

ب: دومین آیه‌ای که قرآن پژوهان در موضوع چشم زخم بیان می‌کنند، چنین رقم خورده است: حضرت یوسف (علیه السلام) عزیز مصر شد؛ در قحطی پیش آمده، قرار شد حضرت یعقوب (علیها السلام) پسرانش را به دربار مصر بفرستد تا غذا (گندم) بگیرند. حضرت یعقوب (علیه السلام) به فرزندان که یازده تن بودند سفارش کرد که: «وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ»؛ «حضرت یعقوب (علیه السلام) گفت: فرزندان من، از یک در وارد نشوید؛ بلکه از درهای متفرق (مختلف) وارد گردید.» (یوسف: ۶۷).

لحن لطیف نبی (علیه السلام) بیانگر ترس درونی آن پیامبر الهی است؛ زیرا فرزندان ذکور به تعداد زیاد از یک سو و زیبایی جمال و قامت‌های رشید و رعنا‌ی آنها از سوی دیگر موجب جلب توجه می‌شد و لذا توصیه‌ی ویژه که از دربه‌های متعدد وارد شوند را یک شیوه‌ی مناسب به منظور در امان ماندن از امواج چشم‌های مردمان آن دیار انجام می‌دهند.

هرچند تعدادی از مفسران دلایلی چون: ترس از به زندان افتادن و به قتل رسیدن آنها و غیره را عنوان کرده‌اند؛ اما حقیقت امر دستور حضرت یعقوب به خاطر در امان ماندن آنها از چشم زخم بوده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۴۱، ص ۱۵۰).

ج: سومین آیه‌ای که به طور غیر مستقیم وجود نیروی مضر چشمی را بیان کرده است؛ آیه‌ی آخر سوره فلق است:

«وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ»؛ «بگو ای پیامبر از شر حسودان به خدا پناه می‌برم؛ هنگامی که حسد می‌ورزند.» بعضی برداشت نموده‌اند که این آیه اشاره به موضوع چشم زخم دارد؛ زیرا انسان حسود خواهان زوال نعمت از دیگران است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲۷، ص ۴۹۹).

با اذعان به اینکه حسادت یک خصلت زشت شیطانی است و از ضعف ایمان و تنگ نظری و عقده‌های نهفته در روح و روان نشأت می‌گیرد و در اسلام جزء آفات دین محسوب می‌شود با مراجعه به روایات این طور برداشت می‌شود که حسادت خود می‌تواند یکی از پایه‌های اساسی چشم زخم باشد، زیرا فرد حسود دوست ندارد هیچ کس را در هیچ یک از عرصه‌های زندگی بهتر یا بالاتر از خود ببیند. (خدایی، ۱۳۹۲، صص ۶۷-۶۵).

## ۵- چشم زخم در روایات

وجود روایات زیاد، با تعبیر مختلف درباره‌ی «چشم زخم» بیانگر حقیقت نیروی عظیم چشم و تاثیر آن است؛ بر فرض با خدشه بر روایات در این موضوع به خصوص روایات «بحار الانوار»، اگر کثرت روایت را در چشم زخم نادیده بگیرند؛ روایتی از منابع اهل سنت و شیعه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است، مبین این واقعیت است: «إِنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ وَالْعَيْنُ تَسْتَنْزِلُ الْحَالِقُ» (احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۷۴).

امام علی (علیه السلام) نیز در نهج البلاغه می‌فرمایند: «الْعَيْنُ حَقٌّ وَالرَّقِيُّ حَقٌّ...» (سید رضی، ج ۴۰۰).

اینکه به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

- از رسول خدا (صلی الله و علیه و آله و سلم) روایت شده: «بیشتر مردگان از امت من بعد از قضا و قدر خداوندی با چشم زخم است.» (سیوطی، ج ۲، ص ۲۵۸).

- پیامبر گرامی اسلام (صلی الله و علیه آله و سلم) می‌فرمایند: «افسون نیست مگر از چشم زخم و حیوان نیش دار.» (مجلسی، ج ۶۰، ص ۲۷. طبرسی، ص ۳۸۶).

- همچنین می‌فرمایند: «همانا چشم زخم انسان را داخل قبر می‌کند و شتر را در دیگ.» (مجلسی، ج ۶۳، ص ۲۶؛ رحمتی، ۱۳۸۸، ص ۳۱۴).

سیره پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) نیز گواه این است که ایشان چشم زخم را امری واقعی می‌دانستند و برای مقابله با آن راهکارهایی را می‌فرمودند و خود نیز این راهکارها را به کار می‌بردند. روایت شده است که امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) در اثر چشم زخم مریض می‌شوند و پیامبر خدا (صلی الله و علیه و آله و سلم) برای بهبود آنها به سفارش جبرئیل (علیه السلام) از حرز و دعای خاصی استفاده می‌کند، آن دعا این است:

«اللهم يا ذا السلطان العظيم و المن القديم و الوجه الكريم ذا الكلمات التامات و الدعوات المستجابات عاف الحسن و الحسين من انفس الجن و اعين الانس.» (مجلسی، ج ۹۲، ص ۱۳۲). روایات مذکور، تنها بخشی از مجموعه روایاتی است که در مورد «چشم زخم» آمده است؛ خوشبختانه این احادیث در منابع مورد قبول و شناخته شده‌ی اهل سنت - به جز عده‌ای از مذهب معتزله - و شیعه می‌باشد؛ مانند نهج البلاغه، مُسند احمد، صحیح بخاری، مکارم الاخلاق، المستدرک و غیره.

جالب این که برخی آنها را روایات «صحیح» برشمرده‌اند؛ پس می‌تواند سر نخ مطمئنی برای اهل تحقیق درباره‌ی وجود «چشم زخم» به عنوان کشف اسرار و علوم متافیزیک قرار گیرد، بر این اساس اصل «چشم زخم» خرافه نیست و مورد تایید اسلام می‌باشد؛ اما متأسفانه مردم در دفع آن به خرافات چنگ زده‌اند و این بهانه‌ای شده تا عده‌ای حقیقت «چشم زخم» را انکار کنند. (خدایی، ۱۳۹۲، ص ۸۷).

## ۵- راه های دفع چشم زخم در اسلام

الف: توصیه‌هایی که خواندنی هستند مانند: خواندن «چهار قل» و اذکار مأثوره.

ب: دستوراتی که نوشتی و همراه داشتنی هستند مانند: تعویذها و حرزها.

ج: سفارش‌هایی که در رفتارها و عملکردها بایست رعایت شود مانند: عدم خودنمایی و تفاخر.

اذکاری که خواندی هستند مانند:

- گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم».

- استعاذه (پناهندگی به خداوند).

- نزول برکات و دفع شرارت ها با قرائت قرآن.

- خواندن «معوذتین» دافع شر همه‌ی اشرار است.

- خواندن «آیة الكرسي».

- دادن صدقه (در ابتدای هر روز).

- همراه خود قرآن داشتن.

امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند:

«آغاز هر کتابی که از آسمان فرو فرستاده می‌شد «بسم الله الرحمن الرحيم» بود. پس هر گاه «بسم الله» را بخوانی، باکی به خود راه مده از این که استعاذه نکرده باشی «اعوذ بالله» را نگفته باشی و هر وقت «بسم الله» را بخوانی، تو را (از آنچه) در ما بین آسمان و زمین است، حفظ می‌کند.» (صدوق، ج ۸، ص ۱۲۷)

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند:

«هر گاه به صورت زیبا و هیبت جالب در آمدید (یعنی لباس نو و زیبا پوشیده و خود را آرایش و آراسته کردید) هنگامی که می‌خواهید از منزل خارج شوید «معوذتین» (سوره‌های مبارکه ناس و فلق) را بخوانید به راستی که اگر چنین کنید به حکم خداوند چیزی به شما ضرر نمی‌رساند.» (مجلسی، ج ۹۵، ص ۱۲۸)

و نیز فرمودند: «چشم زخم حق است و تو و دیگران از آن ایمن نیستید؛ اگر از اثر آن ترسیدید، سه بار ذکر شریف «ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی عظیم» را بگویید. (مجلسی، ج ۶۰، ص ۲۶)

همچنین فرمودند: «هر کس بسیار سوره‌ی مبارکه‌ی جن را بخواند هرگز در زندگی دنیا چشم زخم، جن، جادو، سحر، مکر به او نمی‌رسد؛ و با حضرت محمد (صلی الله و علیه و آله و سلم) همراه خواهد بود و می‌گوید: پروردگارا! من کسی را به جای تو نمی‌خواهم و هرگز از تو به دیگری متمایل نمی‌شوم. (بحرانی، ج ۴، ص ۳۹۰. مکارم شیرازی، ج ۲۵، ص ۹۸)

یکی دیگر از راه‌های دفع چشم زخم، دود کردن اسفند، کندر و برگ بعضی از گیاهان است. پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: «بر هریک از برگ و دانه ی گیاه اسفند مَلکی موکل است که با آنها هست تا که بپوسد.» همچنین فرمودند: «ریشه‌اش و شاخه‌اش غم و سحر را برطرف می‌کند و در دانه‌اش شفای هفتاد درد است؛ پیس مداوا کنید به اسفند و کندر.» (مجلسی، ج ۵۹، ص ۲۳۵؛ خدایی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵).

از آیه الله بهجت (رضوان الله تعالی علیه) سوال شد که «کسی که سحر شده باشد یا دچار چشم زخم شده باشد برای بطلان سحر و دفع چشم زخم باید چه کند؟» در پاسخ فرمودند:

«موارد ذیل را مراعات و عمل نمایید: ۱- قرآن کوچک همیشه همراه داشتن، ۲- معوذتین (سوره های ناس و فلق) را بخوانید و تکرار نمایید. ۳- آیه الكرسی را بخوانید و در منزل نصب نمایید. ۴- چهار قل (سوره‌های مبارکه توحید، ناس، فلق و کافرون) را بخوانید و تکرار نمایید، خصوصاً در وقت خواب. ۵- در موقع اذان با صدای نسبتاً بلند اذان بگویند. ۶- روزی ۵۰ آیه از قرآن کریم را با صدای نسبتاً بلند بخوانید. ۷- صدقه دادن.» (بهجت، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۴۹).

و اما در کلام آخر در رابطه با چشم زخم به اشعار شاعرانی چون: بیدل دهلوی و حافظ مراجعه می‌کنیم که می‌فرمایند:

هر چند چشم زخم را دانی که علاجی نیست      باری سپند باشد به رفع گزند او

(بیدل دهلوی)

حضور انس است و دوستان جمع اند      «و ان یکاد» بخوانید و در فراز کنید

(حافظ)

## نتیجه‌گیری:

با توجه به مطالبی که ارائه شد در می‌یابیم که چشم زخم امری است که در اسلام و مبانی دینی و تمدن اسلام، باوری خرافی و افسانه‌ای نیست؛ بلکه حقیقتی محض است که در مبانی دینی ما نیز از آن سخن به میان آمده است. بسیاری از حکما و فلاسفه و محققان نیز آن را حقیقت دانسته‌اند و در توجیه آن سخن گفته‌اند که در چند آیه از قرآن نه به صورت صریح، به آن اشاره شده است. از نظر عقل و علم نیز مانعی در جهت پذیرش چشم زخم وجود ندارد اما باید توجه داشت که این مطالب به معنای پذیرش همه خرافاتی که در این زمینه رایج است، نمی‌باشد.

در مساله‌ی چشم زخم عده‌ای از دانشمندان به این مساله دست یافته‌اند که این روح انسان‌ها است که برهم تاثیر می‌گذارد نه جسم به تنهایی! همچنین برای درمان، از طریق تخم مرغ شکستن و سایر کارهای دیگری که متأسفانه در اثر افراط در جامعه رواج یافته است، سند روایی وجود ندارد که آنها را تایید کند و در بیشتر روایات توصیه به توسل به خداوند شده است.

## فهرست منابع:

\* قرآن

\* نهج البلاغه

## الف: کتب فارسی

۱. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، جلد ۴۱، انتشارات اسراء، ۱۳۹۳.ش.
۲. خلف برهان، محمد حسین، *فرهنگ فارسی برهان قاطع*، تهران، چاپ اول، ناشر: نیما، ۱۳۸۰.ش.
۳. خدایی، زبیده، *خدا یا با چشم زخم چه کنم؟*، چاپ اول، انتشارات قلم زنان، ۱۳۹۲.ش.
۴. رحمتی، محمد، *گنجینه معارف (۳) - ۱۱۰ موضوع*، شهرضا، چاپ دوم، انتشارات پیام علمدار، ۱۳۸۸.ش.
۵. طباطبایی، محمد حسین، *معنویت تشیع*، چاپ دوم، ناشر: تشیع، ۱۳۸۵.ش.
۶. \_\_\_\_\_، *تفسیر المیزان*، جلد نوزدهم، چاپ بیست و هشتم، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸.ش.
۷. کمری زاده، محسن، *پرسش شما و پاسخ آیه الله بهجت*، جلد ۱، ناشر: آخرین وصی، ۱۳۹۱.ش.
۸. معین، محمد، *فرهنگ معین*، جلد اول، چاپ سوم، ناشر: زرین، ۱۳۸۶.ش.
۹. مصاحب، غلام حسین، *دایره المعارف فارسی مصاحب*، جلد سوم، ناشر: امیر کبیر، ۱۳۹۱.ش.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، جلد ۲۴ و ۲۷، چاپ بیست و شش، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.ش.

## ب: کتب عربی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *خصال*، مترجم: محمد باقر کمره‌ای، جلد ۸، ۱۳۸۱.ش.
۲. بحران، هاشم، *تفسیر برهان*، جلد ۴، ناشر موسسه الاعلمی، بی تا.

٣. حنبل، احمد، *مسند احمد بن حنبل*، جلد ١، بيروت، چاپ اول، انتشارات موسسه الرساله، بی تا.
٤. سیوطی، جلال الدین الرحمن، *الدار المنثور فی التفسیر الماثور*، جلد سوم، بی جا، بی تا.
٥. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، انتشارات دارالکتب، ١٣٧٤ هـ.ش.